

# زندگی

یادداشت

## آدم کوچولوها

آیه طائبی  
دبیر گروه زندگی

مهران مدیری جایی در برنامه دورهمی گفت من عاشق نمره ۱۳.۵ هستم. بعد کمی شوخی کرد و درباره شیوه تحصیلش صحبت کرد. اما جایی میان شوخی‌ها گفت «نمره ۱۳.۵ یعنی آن بچه، شیطنت کرده، بازی کرده، بچگی کرده و البته درس هم خوانده.»

مگر در معدودی افراد، کسب نمرات عالی برای اغلب آدم‌ها چه در کودکی و چه در جوانی و بزرگسالی به معنای وقف زندگی برای درس خواندن است. بچه‌ها اما با تفریح و بازی زندگی را یاد می‌گیرند. نظریه اشتباهی رایج شده که می‌گوید کودک کاری جز درس خواندن ندارد یا نباید داشته باشد. اما مگر نه اینکه اصل زندگی و ریشه و هسته هویت ما در کودکی شکل می‌گیرد؟ پس چیزهای مهم‌تری هست که هر کودک باید در زمان کودکی بیاموزد. زندگی را باید بیاموزد و زندگی برای کودکان در بازی خلاصه می‌شود.

گاهی انگار والدین با کودکان به رقابت می‌ایستند و همان‌طور که خودشان در زندگی هیچ زمان خالی برای استراحت و تفریح ندارند، برای کودکانشان هم فرصت نفس کشیدن نمی‌گذارند. کلاس پشت کلاس، آموزش پشت آموزش، انگار نه انگار که چشم بر هم بزنند دوران شیرین کودکی تمام می‌شود و زندگی آن روی جدی و محکم‌ش را به همین بچه‌های معصوم نشان می‌دهد.

گاهی هم والدین می‌خواهند تمام کم و کاستی‌های زندگی خودشان را در زندگی کودکان جبران کنند. برای مثال هیچ زبان دومی بلد نیستند، پس کودک را از سنین پایین و به شکل فشرده به کلاس زبان می‌فرستند. یا خودشان در اثر کم تحرکی دچار مشکلات فراوان شده‌اند حالا می‌خواهند از کودکانشان یک قهرمان ورزشی بسازند.

پیش‌ترها که ما کودک بودیم، همه تابستان‌ها را در کوچه و با دیگر بچه‌های محل به بازی طی می‌کردیم و در اوایل جوانی هیچ مهارت و هنر خاصی نداشتیم، حتی بسیاری از ما نمی‌دانستیم می‌خواهیم بعد از فارغ‌التحصیلی از مدرسه چه کنیم؟ دانشگاه چه رشته‌ای بخوانیم و حالا می‌خواهیم تلافی‌اش را سر بچه‌ها مان در بیاوریم. اجازه ندهیم هیچ جای خالی در زندگی‌شان باشد، همه روزشان را با کلاس‌های مختلف پر می‌کنیم تا حتماً در جوانی به هنرها و مهارت‌های زیادی مجهز باشند.

بسیاری اوقات ما والدین فراموش می‌کنیم آن افراد کم سن و سالی که در خانه ما زندگی می‌کنند هم انسان هستند و حق انتخاب دارند. ولی وقیم بودن ما نه به معنای مالکیت که به معنای حمایت از آنان است.

این روزها که آرام آرام دارد کارنامه‌ها از راه می‌رسد و تابستان شروع می‌شود، کمی به فکر بچگی کردن بدون عذاب‌وجدان بچه‌ها باشیم. میان‌رو با بشیم و با مشورت خود کودکان، یکی دو کلاس و آموزش را انتخاب کنیم، اجازه دهیم تجربه کنند و آرام آرام به سمت علاقه‌مندی و استعدادشان پیش بروند. کودکی مهم‌ترین دوران زندگی این آدم کوچولوهاست.



بسیاری اوقات ما والدین فراموش می‌کنیم آن افراد کم سن و سالی که در خانه ما زندگی می‌کنند هم انسان هستند و حق انتخاب دارند. ولی وقیم بودن ما نه به معنای مالکیت که به معنای حمایت از آنان است



وقتی می‌بینمش که نشسته یک گوشه و سرش توی موبایله، داره بازی می‌کنه. تصور می‌کنم لب خوب نشسته و داره حشیش می‌کشه، اینقدر که از بازی کردن بدم میاد.



## گفت‌وگو با محسن رزاقی، پژوهشگر بازی‌های دیجیتال

# والدین و ترس از بازی‌های دیجیتال

الهام اسماعیلی  
نویسنده



مادر امیرعلی، ماهی یک بار به کتابخانه می‌آید و پنج کتاب برای پسرش به امانت می‌برد. چندسالی است که او را می‌شناسم، مادر فعال و اهل مطالعه‌ای است. دانشجوی دکتری ادبیات داستانی دریکی از دانشگاه‌های تهران است. از وقتی امیرعلی کلاس دوم بود تا الان که به کلاس هشتم می‌رود، مرتب با ما به کتابخانه می‌آید. هرگز امیرعلی را ندیدیم. ادبیات مورد علاقه امیرعلی که با فیلتر مادر، به دستش می‌رسد، داستان‌های کهن فارسی و ضرب‌المثل‌هاست. مادرش می‌گوید داستان‌هایی را به او پیشنهاد می‌دهم که کوچکترین حساسیتی را در امیرعلی ایجاد نکند. چشم و گوشش را باز نکند. روابط عاطفی، خط قرمزش در تمام داستان‌هاست. به عبارتی چالش جدیدی برای پسرش ایجاد نکند. در یک بار مراجعه‌اش به کتابخانه، احساس کردم کتاب‌هایی که پیشنهاد دادم تکراری شده و بیشتر در یک موضوع است و ممکن است حوصله خواندنش را نداشته باشد. خواستم بیشتر با امیرعلی آشنا شوم، شروع به گفت‌وگو با مادرش کردم و متوجه شدم که علاقه اصلی پسر جان، بازی‌های دیجیتال است. آقا امیرعلی بازیکن حرفه‌ای بازی‌های موبایل است. از زمان شیوع کرونا و غیرحضور شدن مدارس که برایش موبایل خریدند، در کنار شرکت در کلاس‌های آنلاین مدرسه و انجام تکالیفش، بازی‌های مختلف موبایلی را هم انجام می‌دهد. بازی‌هایی که در بین تمام دانش‌آموزان کلاس، مدرسه و هم سن و سالان فراگیر می‌شود. من که خودم از بازی کردن لذت می‌بردم با شوق پرسیدم: حالا چه بازی‌هایی می‌کند؟ گفت: «نمی‌دانم، وقتی می‌بینمش که نشسته یک گوشه و سرش توی موبایله از بازی کردن بدم می‌آید. در نظر مادر امیرعلی بازی کردن وقت تلف کردن و عمر را هدر دادن است. با اینکه امیرعلی، نوجوان کتابخوانی است و تا آنجا که فهمیدیم، از تکنولوژی و اینترنت استفاده صحیحی می‌کند و در کانال آپارات خودش، آموزش بازی‌هایی را که انجام می‌دهد نیز قرار می‌دهد. شکاف نسلی این مادر و فرزند و نگاه متفاوتی را که به اوقات فراغت، کار و بازی‌های دیجیتال دارند در بسیاری از مادران و فرزندان دیگر هم مشاهده کردم. مفهوم آینده و کار کردن در نظر نوجوان امروزی متفاوت از والدینش است. امیرعلی به مادرش گفته بود که می‌خواهد استریمر شود. استریمر به انگلیسی (Streamer) به عنوان پخش کننده جریان آنلاین شناخته می‌شود، شخصی است که محتوا خود را از طریق پخش جریان زنده یا فیلم از پیش ضبط شده به صورت آنلاین پخش می‌کند. اومی خواست از این طریق درآمد داشته باشد، که با تمسخر از سوی والدین مواجه شده بود که احتمالاً در تصورانشان او را دارای مدرک فوق لیسانس، کارمند یک اداره دولتی، با داشتن بیمه و مزایا می‌دیدند. اما او به عنوان یک نوجوان عامل نسل دیجیتال، خودش به فکر کسب و کاری است که در حد توانایی‌اش می‌تواند از آن پول نیز درآورد؛ البته که من به عنوان یک نظاره‌گر نوجوان‌ها از تب و تاب این کارهای آنلاین خبر دارم و می‌دانم با سرعت سرسام آور رشد تکنولوژی و توسعه سبک زندگی شهری، مشاغل متفاوتی را در آینده خواهیم داشت. این روزها استریمر و یوتیوبر بازی‌های آنلاین و دیجیتال روی بورس هستند و تمام نوجوانان عاشق دیده شدن را جذب خودشان می‌کنند. در ادامه گفت‌وگویم با مادر امیرعلی

اول از او خواستم تا بازی را به عنوان یک رسانه تعاملی که در صدر هرم رسانه است، به رسمیت بشناسد. دوم بازی کردن و خواست فرزندش، برای چگونگی پر کردن اوقات فراغتش را جدی بگیرد. بازی کردن کار بی‌بهره‌ای نیست. بازی‌های دیجیتال در رشد مهارت‌های شناختی از جمله تقویت کارکردهای اجرایی مغز، حل مسئله، دقت و توجه، حافظه، پردازش‌های بصری و ادراک فضا، هوش لامبی، هماهنگی حرکات دست و چشم، سرعت پردازش اطلاعات و فعالیت نواحی مختلف در مغز، افزایش یادگیری و کوتاه شدن زمان واکنش کودک و نوجوان اثر مثبتی دارند و با دقت والدین و انجام فعالیت‌های حرکتی مناسب می‌توان آسیبی را که امکان دارد به واسطه کم تحرکی آن به رشد حرکتی کودک و نوجوان برسد از بین برد، حتی بازی‌های برخط چند نفره در توسعه و تقویت مهارت‌های اجتماعی نیز مؤثرند و دیگر کودک و نوجوان به تنهایی در کنج عزت خودش مشغول بازی نیست، بلکه با جمعی از بازیکن‌ها در محیط بازی مشغول به معاشرت و تعامل است که با توجه به تجربه زیسته ما این امر فقط به صورت حضوری در یک مکان خاص امکان وقوع داشت. اولین شرط ارتباط با نوجوان، پذیرش این تفاوت در شرایط زندگی و مفاهیم مختلفی است که در زندگی روزمره با آن ارتباط داریم. آن دسته از بازیکنان که اهل بازی آنلاین هستند، تعاملاتشان در آن فضا است و دوستی‌هایشان نیز آنجا

به همین منظور و برای کسب آگاهی بیشتر از بازی و شناخت نوجوان‌های گیمر با آقای محسن رزاقی پژوهشگر بازی‌های دیجیتال (دبیر سابق بخش بازی سایت ارزیابی کدومو) گفت‌وگو کردم و ایشان نکاتی را برای ما بیان کردند: -ابتدا لازم است بدانیم، بازیکنان انواع مختلفی هستند و نمی‌توانیم برای همه آنها نسخه واحدی بپیچیم. بازیکن‌ها براساس نوع بازی، زمان بازی، نحوه استفاده از بازی و... به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. برای نمونه ریچارد بارتل محقق بازی‌های ویدیویی با طراحی یک تست روانشناسی و بررسی نتایج آن، بازیکن‌ها را به ۴ تیپ شخصیتی دستاوردجو، کاوشگر، رقابت‌جو، معاشرت‌جو تقسیم کرد که هر کدام از آنها به سبک خاصی از بازی علاقه دارند و آن را انجام می‌دهند. با آگاهی از ویژگی‌های هر تیپ و شناخت نوجوانان می‌توانیم در انتخاب بازی و تعامل با او موفق‌تر باشیم. -دانش‌تَنِ این نکته نیز مهم است که هیچ بازی رایگانی وجود ندارد! بازی‌های رایگان با پرداخت درون برنامه‌ای طوری طراحی شده‌اند که بازیکن به بازی وابسته شود و در نهایت پول برای بازی پرداخت کند. -خواستارمان به انتخاب بازی‌ها از سوی بچه‌ها باشد و برای راحتی خودمان سراغ بازی رایگان نرویم.



شکل می‌گیرد. دوستی و گروه هم سالان برای نوجوانان همه چیز است. اگر بازیکن نوجوانی سراغ بازی‌های مناسب بزرگسال مانند کالاف دیوتی، جی تی ای یا فیفا رفت و درگیر آنها شد، در این بازی صاحب شخصیت و زندگی می‌شود که به راحتی نمی‌تواند از آن دل بکند و نحوه تعامل او با بازی متفاوت از سایر بازیکن‌ها خواهد بود.

ما اولین پدر و مادری هستیم که این مسائل را تجربه می‌کنیم، لازم است در کنار هم مهارت‌های لازم را کسب کنیم و ارتباط امن را با فرزندانمان بسازیم. به گمانم مهم‌ترین دستاورد والدین، می‌تواند داشتن خانواده‌ای شاد و امن برای فرزندانمان باشد. فراهم کردن فضا و مکانی برای کودک و نوجوان که متناسب با زمان خودش رشد کند و به خواسته‌هایش با همراهی والدین برسد. در ارتباط با بازی‌های دیجیتال، اول اینکه از دستگاه‌های بازی ترسید. ما والدین مهاجر دیجیتال نیز مانند کودکان بومی دیجیتال می‌توانیم کار کردن با آنها را یاد بگیریم. والدین می‌توانند در کنار فرزندانشان با کنسول (دستگاه بازی خانگی) بازی‌های چند نفره خانوادگی بازی کنند. برای این کار بهتر است در هنگام خرید هر یک از دستگاه‌های بازی (Playstation, Xbox, Nintendo) دیتا سه دسته اضافه بخرد تا با هم بازی کنند. بازی‌های گروهی هم به دوزیر مجموعه تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ای به شکل آنلاین دنبال می‌شوند و هر بازیکن می‌تواند از خانه خود با دوست یا غریبه‌ای در آن‌سوی دنیا ارتباط برقرار کند و بازی را با یکدیگر پیش ببرند. دسته دیگر اما حالتی محلی دارند و بازیکن‌ها در کنار یکدیگر سرگرم می‌کنند؛ دسته‌ای که Local Co-op یا Couch Co-op هم نامیده می‌شود. در بازی‌های موبایلی نیز، دنبال بازی‌های باشیم که امکان بازی به صورت گروهی محلی را داشته باشد یا حتی در یک گوشی به صورت دونفره بازی کنیم. در دستگاه‌های بازی، علاوه بر بازی‌های محبوب و پرطرفدار که غالباً تک نفره هستند، بازی‌های چند نفره هم بخرد تا تجربه بازی دسته جمعی را داشته باشیم. وقتی بچه‌ها مشغول بازی هستند، به تماشا بازی بنشینید و از روند بازی بی‌رسید. متوجه تفاوت بازی‌های آنلاین و آفلاین، بازی داستانی و کژوال یا تفننی (سرگرم کننده) باشید. در بازی آنلاین امکان قطع بازی وجود ندارد و تمام شدنی در کار نیست، اگر در مرحله‌ای از بازی گرفتار انجام مأموریت باشد نمی‌تواند آن را سریع قطع کند و به سرعت سر میز شام آید یا بشما به انجام کاری مشغول شود. بهتر است قبل از چیدن سفره یا میز شام با نوجوانان هماهنگ شویم و از او بپرسیم چند دقیقه دیگه مأموریت به پایان می‌رسد تا با هم سر شام باشیم. همدلی و همراهی با او در بازی کردن، نوجوان را همراه خانواده می‌کند و همبازی والدین خواهند شد. اگر هم اهل بازی آفلاین و داستانی است، با اینکه قطع بازی در اختیار خودش است، با احترام به کاری که انجام می‌دهد، بدانیم در حال انجام یک سری فعالیت است، از او بپرسیم این مأموریت چه زمانی تمام می‌شود؟ منتظر هستیم و زیاد ما را منتظر نگذار. با شناخت بازی‌های ویدیویی می‌توانیم زبان مشترکی بسازیم که ما را در رسیدن به اهداف تربیتی‌مان کمک کند.

از بازی‌های ویدیویی ترسیدیم و واقع بینانه با آن برخورد کنیم، در آخر پیشنهاد می‌کنم مستند Not A Game را تماشا کنید، این مستند نگاهی صادقانه به رابطه پیچیده ما با بازی‌های ویدیویی دارد و آن را از دیدگاه گیمرها و والدین نگران آنها بررسی می‌کند.